



سعید هنرمند،
طراح دکور:

**روشنفکران بی سواد
که فقط غر می‌زنند**

سعید هنرمند، طراح صحنه فیلم «کفایت مذاکرات»، در گفت‌وگو با روزنامه صبا از نقش دکور در شکل‌گیری فضای کمدی، تأثیر طبقه اجتماعی در طراحی لوکیشن و نسبت میان واقع‌گرایی و نگاه نمایشی در سینمای تجاری سخن گفت. او معتقد است طراحی صحنه در سینمای امروز نه تنها یک عنصر تزئینی نیست، بلکه در شکل‌گیری درام، شخصیت و حتی ریتم کمدی نقش تعیین‌کننده دارد.

لوکیشنی که ما در فیلم می‌بینیم حاصل تغییرات زیادی است که در خانه اصلی انجام دادید؛ این تغییرات را بر چه اساسی بود؟ یعنی در فیلمنامه چه دیدید که احساس کردید نیاز به این نکات و تغییرات در دکور هست؟

مسئله اصلی ما طبقه اجتماعی بود. اگر لوکیشنی پیدا می‌کردیم که با ایده‌آل‌های ما همخوانی داشت، طبیعتاً کار دکور کمتر می‌شد. اما با توجه به اینکه خیلی گشتیم و به این لوکیشن رسیدیم، مجبور بودیم تا حدی طبقه اجتماعی را پایین‌تر بیاوریم. آن لوکیشن آماده‌ای که اول دیدیم خیلی لوکس و گران قیمت به چشم می‌آمد، اما ما با یک سری تغییرات تبدیلش کردیم به یک خانه جنوب‌شهری.

جداً از نزدیک کردن فضای کار به طبقه متوسط رو به پایین، چقدر این تغییرات برای کمک به ریتم کمدی و موقعیت‌های طنز هم اعمال شد؟

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایم این بوده که کار به لحاظ بصری برای سینمای تجاری جذاب باشد؛ یعنی وقتی مخاطب تصاویر را می‌بیند، حتی بدون صدا و دیالوگ، از دیدن صحنه‌ها و لوکیشن لذت ببرد. این برای ما خیلی مهم بود.

در انتخاب رنگ‌ها هم همین‌طور بود؛ سعی کردیم از رنگ‌هایی استفاده کنیم که مخاطب حس لذت بگیرد. اگر کار مثلاً یک ملودرام اجتماعی تلخ بود، شکل کار و انتخاب رنگ‌ها کاملاً فرق می‌کرد، اما من همیشه در کارهای کمدی این را اعمال می‌کنم.

برای این طراحی تا چه حد از واقع‌گرایی فاصله گرفتید تا خنده پررنگ‌تر شود یا برعکس، واقعیت زندگی را بازسازی کردید؟

این مسئله همیشه بین سینماگران و هنرچوین بحث ایجاد کرده است؛ اینکه چقدر کار ما بار نمایشی داشته باشد و چقدر رئال و واقعی باشد. ببینید در این کار یک سری المان‌های پایه داریم که باید واقعی باشد؛ مثلاً شکل اصلی یک خانه که در همه جای دنیا مثل هم است.

اما شاید رنگ دیوار در حالت طبیعی مثلاً قرمز یا زرد نباشد، ولی گاهی ما هم می‌رویم سمت اینکه رنگ‌ها را کنترل کنیم. یعنی هیچ‌وقت صرفاً به اسم واقع‌گرایی کار نمی‌کنیم. حتماً بار نمایشی کار را هم اعمال می‌کنیم. نگران این نیستیم که بگویند از واقعیت خارج شده است. آن چیزی که به ریتم کار کمک کند، حتی اگر نمایشی باشد، انجام می‌دهیم.

در نهایت، می‌توان گفت در کمدی‌های امروز دکور فقط تداعی‌کننده مکان نیست، بلکه بخشی از تولید خنده و حتی شخصیت‌سازی هم هست؟

بله، حتماً ما با لوکیشن می‌توانیم به درام کمک کنیم. اگر طراحی صحنه نتواند به درام فیلم در جهت مثبت اضافه کند، واقعا کم‌کاری کرده است.

در سینمای کمدی امروز، طراحی صحنه چقدر تحت تأثیر گیشه و نگاه اقتصادی پروژه قرار می‌گیرد؟

طراحی صحنه از نظر من در کارهای کمدی و حتی در همه کارها، بعد از فیلمنامه خوب و کارگردان قرار می‌گیرد. ما هستیم که تعریف می‌کنیم فیلمبردار از کجا می‌تواند نور بدهد. جای پنجره را ما مشخص می‌کنیم. فیلمبردار بر اساس منابع نوری که در صحنه می‌بینیم می‌تواند نورش را تنظیم کند. صحنه‌ای که ما می‌بینیم به فیلمبردار کمک می‌کند قاب قشنگ ببیند. بنابراین طراحی صحنه به نظر من مهم‌ترین رکن بعد از فیلمنامه است.

خودتان چقدر از «کفایت مذاکرات» در رزومه کاری‌تان رضایت دارید و آن را در چه جایگاهی می‌بینید؟

«کفایت مذاکرات» جزو کارهای خوب من است. ولی یک واقعیتی وجود دارد؛ در بخش فنی کار کمدی خیلی داوری نمی‌شود. اگر همین زحمتی که برای این فیلم کشیده‌ام برای یک فیلم تلخ اجتماعی کشیده بودم، شاید خیلی بیشتر به چشم می‌آمد.

این یک واقعیت است و من هم پذیرفته‌ام. دلیلش هم

این است که یک سری «اتلکت‌های باسوادنما» هستند که وارد سینما شده‌اند یا بیرون سینما هستند و فقط غر می‌زنند و ایراد می‌گیرند، در صورتی که سواد بصری لازم ندارند. این افراد این نوع سینمای تجاری را می‌گویند، در حالی که در همه جای دنیا وجود دارد.

با این وجود می‌خواهید در این حوزه بمانید یا سینمای غیرتجاری در اولویت کارتان است؟

ببینید، وقتی در یک حوزه شناخته می‌شوید، حتی اگر بخواهید تغییر مسیر بدهید، باز هم با همان یک‌گراند شناخته می‌شوید. برای من پیش آمده که برای یک کار غیرکمدی انتخاب شدم، ولی گفته‌اند شاید نتوانم از عهده آن بر بیایم چون کمدی کار کرده‌ام. در حالی که این شغل من است، دانش و تجربه‌اش را دارم و اتفاقاً در کمدی موفق‌تر هم بوده‌ام.

کار کمدی بار سنگینی روی دوش طراح دارد؛ چندین میلیارد تومان هزینه تهیه‌کننده باید مدیریت شود و همه باید راضی باشند؛ کارگردان، تهیه‌کننده، مخاطب و خود طراح. به نظرم این مسئولیت سنگینی است.



روزبه رایگا
مدیر فیلمبرداری:

**دوربین در کمدی شکارچی
لحظه‌هاست**

روزبه رایگا در سال‌های اخیر بیش از آن که با فیلم‌های کمدی شناخته شود، به عنوان فیلمبردار آثاری در سینمای اجتماعی و درام‌های جدی مطرح بوده است؛ فیلم‌هایی چون «سر به مهر»، «با دیگران»، «انارهای نارسی»، «میسرو»، «شعله‌ور»، «دیدن این فیلم جرم است»، «عطرآلود» و «رها» که هر کدام در جهان تصویری و مضمونی خود، فاصله قابل توجهی با قواعد رایج سینمای کمدی دارند. با این حال، رایگا در سال‌های اخیر تجربه فیلمبرداری چند کمدی پر فروش از جمله «فسیل»، «هفتاد سی»، «مرد عینکی» و این روزها «کفایت مذاکرات» را نیز در کارنامه خود ثبت کرده؛ تجربه‌ای که از نگاه او اگر چه در ظاهر با سینمای اجتماعی تفاوت دارد، اما از منظر اجرایی و ارتباط با مخاطب، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاص خود را به همراه دارد.

در «کفایت مذاکرات» نگاه شما به تصویر بیشتر معطوف به ثبت واقعیت بود یا ساختن فضایی اغراق‌شده متناسب با لحن کمدی فیلم؟

مشخصاً ترکیبی از هر دو رویکرد مدنظر ما بود. «کفایت مذاکرات» در ذات خود یک فیلم کمدی است، اما صرفاً یک اثر مفرح نیست و لایه‌هایی دارد که برخی مسائل و جریان‌های اجتماعی را نیز مطرح می‌کند. البته نمی‌خواهم از اوازه «معصل» استفاده کنم؛ بیشتر با موقعیت‌هایی اجتماعی مواجه هستیم که قرار گرفتن شخصیت‌ها در آن‌ها منجر به شکل‌گیری موقعیت‌های کمدی می‌شود.

به همین دلیل نمی‌توان فیلم را صرفاً یک کمدی یا

صرفاً یک اثر اجتماعی دانست. ما تلاش کردیم تمام و کمال در چارچوب قواعد مرسوم کمدی حرکت نکنیم. اگر کسی فیلم را با نگاه اجتماعی ببیند، هایلایت‌های کمدی آن را پررنگ خواهد دید و اگر با نگاه یک فیلم کمدی به سراغش برود، لایه‌های اجتماعی آن نیز برایش قابل توجه خواهد بود. به همین دلیل سعی کردیم در عناصر بصری فیلم، هم نشانه‌های سینمای اجتماعی و هم مؤلفه‌های سینمای کمدی به کار گرفته شود.

فیلم‌های کمدی المان‌های متعددی دارند و ما تلاش کردیم در «کفایت مذاکرات» مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها را رعایت کنیم. با این حال، در نهایت این فیلم یک اثر کمدی محسوب می‌شود؛ چه در تبلیغات، چه در اکران و چه در نگاه اهالی سینما و حتی جشنواره فجر.

در فیلمبرداری «کفایت مذاکرات» چقدر تلاش کردید ریتم و تن کمدی را با حرکت دوربین، قاب‌بندی و میزانشن هماهنگ کنید؟

یکی از پریشش‌هایی که همیشه مطرح می‌شود این است که چرا فیلم‌های کمدی معمولاً روشن، تمیز و کنترل‌شده به نظر می‌رسند. به نظر من مخاطب در وهله نخست باید از تماشای فیلم لذت بصری ببرد؛ چه فیلم اجتماعی باشد و چه کمدی.

البته این یک قانون مطلق نیست که همه فیلم‌های کمدی حتماً باید روشن و بدون پیچیدگی باشند، اما این ویژگی‌ها به انتقال بهتر شوخی‌ها کمک می‌کند. مخاطب در فیلم کمدی معمولاً فرصت یا تمایل چندانی برای واکاوی پیچیده تصاویر ندارد. او می‌خواهد ذهنش آزاد باشد و بخندد. برای همین ما کمتر از نورپردازی‌های پیچیده، سایه‌های سنگین، قاب‌های مهمب یا میزانشن‌های بسیار پیچیده استفاده می‌کنیم؛ چون ممکن است لحظه شوخی از دست برود و این برای یک فیلم کمدی خسارت بزرگی است.

حالت چهره بازیگر باید کاملاً دیده شود، واکنش‌ها باید واضح باشند و جزئیات شوخی‌ها باید به راحتی قابل رؤیت باشند. همه این موارد کمک می‌کند مخاطب سریع‌تر واکنش نشان دهد و تأثیر کمدی فیلم بیشتر شود.

از سوی دیگر، میزانشن در فیلم‌های کمدی وابستگی زیادی به موقعیت بازیگران دارد؛ اینکه چه کسی کجا ایستاده، چه زمانی وارد قاب می‌شود یا چگونه یک واکنش ناگهانی را شکل می‌دهد. دوربین باید بتواند این لحظه‌ها را به سرعت شکار کند. این موضوع روی ریتم فیلم تأثیر مستقیم دارد.

نورپردازی هم به همین شکل است. معمولاً باید خواناتر و یکنواخت‌تر باشد و جغرافیای لوکیشن برای مخاطب کاملاً روشن بماند. از نظر ترکیب‌بندی نیز مهم است که چشم تماشاگر دقیقاً به نقطه‌ای هدایت شود که کارگردان قصد دارد شوخی یا اتفاق اصلی در آن رخ دهد.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در طراحی رنگ و فضای بصری فیلم است. در آثار کمدی معمولاً تلاش می‌کنیم حس سرزندگی، شادابی و سرگرمی را به مخاطب منتقل کنیم. به همین دلیل تصاویر روشن، رنگ‌ها اشباع و نورپردازی به سمت فضایی جذاب‌تر و پیرانتریزتر حرکت می‌کند.

مهم‌ترین تفاوت المان‌های بصری یک فیلم کمدی مثل کفایت مذاکرات و اجتماعی تلخی همچون رها چیست؟

در آثاری مثل رها و دیگر آثار اجتماعی که در آنها

حضور داشتیم، معمولاً از نشانه‌های بصری استفاده می‌کنیم که بتوانند فشارهای اجتماعی و وضعیت شخصیت‌ها را منتقل کنند؛ رنگ‌های سرد، خاکستری، رنگ‌های طبیعی و کم‌زرق‌وبرق، بافت‌های فرسوده در لوکیشن‌ها و حتی طراحی لباس‌هایی که با فضای محیط همسو باشند، همگی در خدمت شکل دادن به این فضا قرار می‌گیرند.

از نظر میزانشن هم تفاوت‌های زیادی وجود دارد؟ بله. در «رها» به دلیل انزوای فشارهایی که بر شخصیت‌ها وارد می‌شود، بیشتر با قاب‌های بسته و ترکیب‌بندی‌های ثابت‌تر مواجه بودیم. در آن فیلم، راهروها، درها و مرزهای فیزیکی میان آدم‌ها نقش مهمی در طراحی بصری داشتند و تلاش می‌کردند فاصله‌ها و تنش‌های میان شخصیت‌ها را برجسته کنند.

حرکت دوربین هم در این دو فضا کاملاً متفاوت است. در فیلم‌های اجتماعی؛ دوربین بیشتر نقش ناظر را دارد تا اجراکننده. نماها طولانی‌تر هستند، میزانشن‌ها پیچیده‌تر، حرکت‌ها همسو با محتوا و دوربین فرصت بیشتری برای مشاهده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در چنین فیلمی هدف این است که تماشاگر بتواند به شخصیت‌ها نزدیک شود، وضعیت آن‌ها را درک کند و فرصت همدلی بیشتری با آن‌ها داشته باشد.

در نهایت، تفاوت‌های فنی میان فیلمبرداری آثار کمدی و اجتماعی بسیار گسترده است و به نظرم یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کار فیلمبرداری همین است که برای هر ژانر باید زبان بصری متناسب با همان فیلم را پیدا کرد.

شما فیلم‌های اجتماعی و جدی متعددی را در کارنامه دارید و همچنین در آثار کمدی، شخصاً کار در کدام فضا برایتان جذاب‌تر است؟

پاسخ به این سؤال کمی دشوار است، چون ممکن است برداشته‌های مختلفی از آن شود. دغدغه شخصی‌ام همیشه فیلم‌های جدی، معناگرا و آثاری بوده که بتوانند روی نگرش انسان‌ها، سبک زندگی آن‌ها و حتی فلسفه وجودی‌شان تأثیر بگذارند؛ آثاری که مخاطب را به فکر کردن وادار کنند و بتوانند انسان را به سمت تعالی سوق دهند. البته سینمای کمدی هم می‌تواند چنین تأثیری داشته باشد، اما به اعتقاد من تأثیرگذاری فیلم اجتماعی معمولاً مستقیم‌تر و عمیق‌تر است.

در عین حال معتقدم ساخت کمدی از بسیاری جهات دشوارتر است. در دنیایی که مردم با حجم زیادی از مشکلات وارد سالن سینما می‌شوند، شما باید بتوانید برای مدتی آن‌ها را از آن فضا جدا کنید. مخاطب انتظار دارد مشکلاتش را پشت درهای سالن سینما بگذارد و فیلم کمدی برای مدتی او را رها کند. از این منظر، فیلم کمدی می‌تواند چون اکسیری، آرام بخش دردهایشان باشد.

خرسندم که فیلمبرداری چند کمدی پرفروش را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ام؛ «کفایت مذاکرات» هم در کنار وجه سرگرم‌کننده‌اش، تلاش می‌کند به موضوعی اجتماعی حائز اهمیت چون رحم اجاره‌ای توجه کند. همین که فیلم بتواند نسبت به چنین موضوعی حساسیت ایجاد کند و برای مخاطبانی که به نوعی با این مسئله روبرو هستند، تلنگری باشد، بسیار ارزشمند است.

